

تحلیل کیفی تأثیر ساختار سیاسی - قبیله‌ای کردستان بر حاکمیت قانون (با تأکید بر مورد های از دادگاه تجدیدنظر استان اربیل در کردستان عراق (۲۰۱۹))

احمدشکر چی^۱ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۲

هیوا عمر^۲ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰

چکیده

مسئله محوری تحقیق اثبات تجربی ضعف عملکرد حاکمیت قانون به‌عنوان یکی از ارکان اصلی دموکراسی و اینکه چگونه ساختارهای اجتماعی و سیاسی، حاکمیت قواعد رسمی در دادگاه‌ها در کردستان عراق را تحت تأثیر قرار داده است. برای بررسی این مسئله، بر صلح‌های عشایری انجام‌شده که توسط دیوان‌خانه‌های آغاها و دفترهای اجتماعی احزاب در شهر اربیل تمرکز شده است. در چارچوب نظری، با استفاده از مفاهیم هنجاری اجتماعی و قواعد قانونی در صدد اثبات نظری تأثیر هنجارها و قواعد قبیله‌ای و تأثیر آن بر حاکمیت قواعد قانونی است. برای تولید داده از رویکرد کیفی گراوند تتوری در تحقیقات اجتماعی، و با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق با نخبگان جامعه (سران عشایر و احزاب سیاسی، و قضات دادگستری و نخبگان دانشگاهی) مدل پارادایمی برآمده از داده‌ها بر ساخته شده است. این مدل شامل سه جزء اساسی است: ۱- تأثیر علی ساختار اجتماعی قبیله‌ای بر نخبگان سیاسی و حکومتی؛ ۲- شرایط زمینه‌ای که شامل سه نوع مکانیسم (استقلال دادگاه‌ها، صلح عشایری، کارآمدی نهادهای اجرایی) است که تأثیرات شرایط ساختار-کنشگر را به پیامد می‌رسانند؛ ۳- با فعال شدن این سه مکانیسم زمینه‌ای، حاکمیت قانون در کردستان محدود می‌شود. این صورت‌بندی سیاسی - قبیله‌ای ناکارآمدی نهادی، صرفه‌نظر کردن احزاب حاکم از فعالیت‌های سران عشایر و محدود شدن استقلال دادگاه‌ها را بوجود آورده است، که این خود مصداق بارزی بر حاکمیت خارج از قانون یا مهارنشده است که نشانه‌ای بر فقدان یکی از ارکان اصلی دموکراسی است.

واژگان کلیدی

قبیله‌گرایی، صلح عشایری، حاکمیت قانون، دموکراسی، ساختار قبیله‌ای حزب، کنترل حزبی نهادها

۱ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
a-shekarchi@sbu.ac.ir

۲ دانشجوی دکتری گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی - تهران - ایران (نویسنده مسئول) Hiwa1975@yahoo.com

مسئله اصلی تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر تضعیف حاکمیت قانون در کردستان عراق به عنوان یکی از پایه‌های نظم سیاسی دموکراتیک است. حاکمیت قانون هنگامی وجود خواهد داشت، که تمام حاکمان سیاسی بدون استثنا تحت سلطه قانونی در آیند. در نظم سیاسی معینی که حاکمان بتوانند قوانین را به دلخواه خود تغییر دهند حاکمیت قانون وجود نخواهد داشت (فوکویاما، ۱۳۹۶: ۳۴). کردستان عراق از جمله موردی است که نظم سیاسی آن تحت کنترل دو حزب دموکرات کردستان (KDP) ۱ و اتحاد میهنی کردستان (PUK) ۲ قرار دارد و سران عشایر و قبایل بخش نیرومند ساختار این دو حزب را تشکیل می‌دهند، به طوری که نوعی از ترکیب ساختار سیاسی - قبیله‌ای کردستان را بوجود آورده‌اند. در بافت کردستان عراق که نوعی از هم‌پیمانی احزاب سیاسی و قبایل صورت غالب ساختار سیاسی را تشکیل می‌دهد، عملکرد حاکمیت قانون تضعیف شده است. زمینه و شرایط مورد بررسی در این تحقیق دادگاه تجدیدنظر استان اربیل در کردستان عراق است، زمینه‌ای که در آن ساختار سیاسی جدید در کنار ساختار قبیله‌ای / عشیره‌ای در جامعه به قوت خود باقی است و تأثیرات آن در ساختار سیاسی غیر قابل انکار است (حسن، ۱۳۹۶، ص ۲۲۲). واقعیت‌های حکمرانی در کردستان عراق هنوز بر مبنای معیارهای دموکراتیک کار نمی‌کند: «در بسیاری اوقات جایگاه اجتماعی و طایفه‌ای و اقتصادی نقش مهمی در بدست آوردن پست و کرسی حکومتی و حزبی بازی می‌کند و بسیاری اوقات برای حل اختلافات بجای رجوع به دادگاه و نهادهای قضایی به سنت صلح قبیله‌ای تکیه می‌شود. به همین دلایل جامعه کردی تاکنون هم نتوانسته از مرحله پابندی به اصول و هنجارها و ارزش‌های عشایری و اجتماعی عبور کند که این امر مانعی بزرگ در برابر فرایند دموکراسی و توسعه سیاسی اقلیم کردستان است.» (حسن، ۱۳۹۶، ص ۲۲۳).

وجود ساختار هنجاری برای هر جامعه‌ای اهمیت بسزایی دارد. فرق نمی‌کند که جامعه در چه سطحی از پیشرفت باشد. جامعه خواه اولیه باشد یا صنعتی شده و مدرن. اهمیت و ضرورت ساختار هنجاری برای نظم اجتماعی توسط بسیاری از جامعه‌شناسان مورد تأثیر واقع شده است (چلبی، ۱۳۹۴، صص ۱۱-۱۲). اما مسلماً با توجه به پیچیدگی جوامع، ساختار هنجار آن نیز متفاوت خواهد بود. برای مثال نمی‌توان قواعد و هنجارهای جوامع قبیله‌ای برای جوامع پیچیده

1. Kurdish Democratic Party
2. Patriotic Union of Kurdistan

امروزی کاربرد داشته باشد، چون نظم جوامع مدرن هم در حوزه و هم در نفوذ فراگیرتر از نظم جوامع قبیله‌ای/ عشیره‌ای است (Hichter & Kabiri, 2008; in: Kalyvas et. al, p. 46). با وجود این، عراق به طور عام و کردستان به طور خاص از جمله موردهایی هستند که سیستم اجتماعی و سیاسی آن هنوز تحت تأثیر ساختار قبیله‌ای/ عشیره‌ای است (Stolzoff, 2009, p. 7). به تعبیر جامعه‌شناس عراقی فالح عبدالجبار قبیله‌گرایی نیروی رانش سیاست عراق مخصوصاً از دوره حاکمیت حزب بعث در این کشور است (Jabar, 2003; in: Jabar & Dawood, p. 69). اهمیت نیروی هنجارهای قبیله‌ای در عراق و کردستان از ماده ۴۵، بند دوم قانون اساسی مصوب سال ۲۰۰۵ م. نمایان می‌شود، که در آن آمده: «دولت به قبایل و عشایر عراق اهتمام می‌ورزد و طبق قانون به امور آنها رسیدگی می‌کند و ارزش‌های انسانی اصیل‌شان که پیشرفت جامعه را موجب می‌شوند ارتقا می‌بخشد و از هنجارهای قبیله‌ای که با حقوق بشر مخالف باشند جلوگیری می‌کند»^۲ (دستور جمهوری‌العراق، ۲۰۱۱).

کمیسیون حقوقی پارلمان خود بر تأثیر ساختار هنجاری عشایر در کردستان عراق واقف است، مخصوصاً هنگامی که می‌خواهد قانونی راجع به مسائل اجتماعی و احوال شخصی به تصویب برساند، اما با مانع ساختار هنجاری جامعه برمی‌خورد. گرایش بعضی از قانون‌گذاران در پارلمان توافق هنجاری عرف و قانون است. درحالی‌که، کسانی دیگر مخالف با این روند، در صدد تصویب قوانین مدرن هستند گرچه با عرف و ساختار هنجاری جامعه ناهماهنگ باشد (طاهر، ۲۰۱۷، صص ۷۴-۷۸). در چنین وضعیتی، حاکمیت قانون توسط ساختار هنجاری جامعه تحت تأثیر قرار می‌گیرد و حتی ممکن است آن را تضعیف کند (طاهر، ۲۰۱۷، ص ۸۰). امروز در کردستان عراق به ویژه در شهر اربیل، ساختار هنجاری عشیره قوی‌تر از قوانین رسمی وارد عمل شده به حل منازعات و دعوای مردم از طریق صلح عشایری خارج از دادگاه پرداخته است، چون اعتقاد عمومی بر این است که گرچه مسئله اجتماعی از نظر قانون حل شده باشد، اما از نظر عرف عشیره‌ای حل نشده باقی مانده است.^۳

صلح عشایری، شیوه‌ای است معتبر در میان عشایر و مبتنی بر مجموعه‌ای از قواعد و

1. Scope and Penetration

۲. «تحرص الدوله علی النهوض بالقبائل والعشائر العراقية و تهتم بشؤونها بما یسجم مع القانون وتعزز قیمها الانسانیة النبيلة و بما یساهم فی تطویر المجتمع وتمنع الاعراف العشائریة الّتی تتنافی مع الحقوق الانسان.»

۳. تأییدشده توسط اکثریت مصاحبه‌شوندگان در دادگا تجدیدنظر و سران عشایر.

هنجارها برای حل منازعات و اختلافات مدنی و جزایی است. از ویژگی‌های بارز آن سرعت در عمل و الزام طرفین به رعایت کردن نتایج صلح است (جرادات، ۲۰۱۴، ص ۲۹). بعضی صلح‌عشایری را متعلق به عشایر بدوی و کوچرو در نظر گرفته‌اند، اما واقعیت امروز کردستان عراق نشان می‌دهد که این نوع صلح‌ها گرچه در میان عشایر اسکان‌یافته روستایی بیشتر است، اما در میان سران عشایر ساکن شهر اربیل نیز معمول است.^۱

احزاب سیاسی هم به این مسئله آگاه شده‌اند که حل منازعات در جامعه کردستان تنها از طریق سازوکارهای قانونی پایان نمی‌پذیرند، در نتیجه آنها نیز ارگان حزبی ویژه‌ای را برای اجرای فرایند صلح‌عشایری تأسیس کرده‌اند.^۲ ارگان امور اجتماعی در احزاب سیاسی کردستان، ارگانی برای رایزنی و حل منازعات قبیله‌ای در میان افراد و خانواده‌ها و خاندان‌های عشایر کردستان است. در این ارگان معمولاً از افراد مسن و باتجربه عشیره‌ای، سیاسی و مذهبی استفاده می‌شود. آن‌ها برای حل منازعات خود یا مبلغی پول مبادله می‌کنند یا زمین و ملکی را به طرف مقابل می‌بخشند یا از دختران قبیله خود را به عقد پسران قبیله متخاصم در می‌آورند (Alinia, 2013, p. 71). گرچه آمارهای دقیقی درباره صلح‌عشایری در دست نیست، اما هنگام گفتگو با مسئولان دفترهای اجتماعی دو حزب حاکم در اربیل و سلیمانیه می‌توان آمارهای دال بر انجام صلح‌عشایری در این ارگان‌ها به دست آورد. طبق آمارهای ثبت‌شده در دفتر اجتماعی (KDP) اربیل، کل صلح‌های عشایری انجام‌شده به مدت شش سال (۲۰۱۳-۲۰۱۸) ۳۱۷ مورد بوده^۳، اما نزدیک به همین آمار (۳۴۰ مورد) در دفتر اجتماعی (PUK) در سلیمانیه تنها برای سه سال (۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۸) ثبت شده است.^۴ اگر این آمارها را تنها با یکی از دیوان‌خانه‌ها در اربیل^۵ مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که آمارهای صلح‌عشایری بسیار بیشتر از این مورد‌های ثبت‌شده است.

۱. مصاحبه با آقای گردی ساکن روستای چیژنیکان فاضل‌آغا، ناحیه بحرکه، استان اربیل، در تاریخ ۲۹-۱۰-۲۰۱۹. همچنین مصاحبه با قاضی ۲ دادگاه تجدیدنظر اربیل، در تاریخ ۱۱-۶-۲۰۱۹.
۲. مصاحبه با عضو دفتر اجتماعی KDP اربیل، در تاریخ ۱۰-۲-۲۰۱۹؛ عضو دفتر اجتماعی PUK سلیمانیه، در تاریخ ۱۷-۷-۲۰۱۹؛ و مسئول دفتر اجتماعی IUUK اربیل، در تاریخ ۲-۱۱-۲۰۱۹.
۳. دیدار و گفتگو با عضو دفتر اجتماعی پارت دموکرات کردستان KDP در شهر اربیل، در تاریخ ۱۰-۲-۲۰۱۹.
۴. دیدار و گفتگو با عضو دفتر اجتماعی اتحاد میهنی کردستان PUK شهر سلیمانیه، در تاریخ ۱۷-۷-۲۰۱۹.
۵. طبق گفته یکی از آگاه‌های عشیره خوشناو حدافل هر ماه بیش از ۱۰ مورد صلح‌عشایری در دیوان‌خانه خود انجام داده است: الصلح‌العشائر فی دیوانیه (مرحوم) انوربگ البیتواتی فی اربیل، تقریر احمد الزاویتی، قناه الجزیره در تاریخ ۱۶ آوریل ۲۰۱۸.

قدرت گرفتن سران قبیله‌ای در حکومت اقلیم کردستان^۱، تقویت ساختار هنجاری عشیره‌ای را به دنبال داشته است (Alinia, 2013, p.100). سران عشایر در شهر اربیل از قدرت کافی برای حل و فصل منازعات خانوادگی و عشیره‌ای برخوردار شده‌اند. در دیوان‌خانه تفاوت‌های سیاسی و ایدئولوژیکی کنار گذاشته در مقابل روابط خویشاوندی پراهمیت‌تر می‌شوند. امروزه دیوان‌خانه‌ها به مکانی برای به هم رسیدن سه دسته از نخبگان حاکم تبدیل شده‌اند: دسته سران عشیره، سران احزاب سیاسی، اعضای پارلمان و مسئولان کابینه‌های حکومت کردستان و عراق^۲. طبق اظهارات آقای دزه‌بی «هفت سال پیش مردمانی که دیوان‌خانه می‌آمدند، خودشان مستقیماً می‌توانستند رابطه برقرار می‌کردند و خواسته‌های خود را به مسئولان حزبی و حکومتی ارائه کنند، اما بعد از مشاوره با سرپرستان دیوان‌خانه‌ها، به این نتیجه رسیده‌اند که باید این کار با میانجی خود سرپرست دیوان‌خانه انجام شود نه مستقیماً». همان‌طور خاطر نشان می‌کند که امروز در اربیل خاندان آغاها می‌توانند هرکدام برای خودشان دیوان‌خانه باز کنند: «امروز ۷ خاندان بزرگ دزه‌بی، هرکدام جداگانه دیوان‌خانه متعلق به خود دارند».

بنابراین، پرسش اصلی در باب وضعیت حاکمیت قانون به عنوان یکی از ارکان دموکراسی است آن هم در زمینه‌ای که در آن ساختار قبیله‌ای جزء اساسی ساختار احزاب سیاسی باشد، و نظم سیاسی آن توسط دو حزب KDP و PUK تعیین شود، به‌طوری که آن دو حزب را در موقعیت احزاب حاکم بر حکومت قرار دهد.

۱. پیشینه تحقیق

با توجه به تحقیقاتی که در کشورهای خاورمیانه درباره نظم هنجاری این جوامع انجام شده، می‌توان به این اشاره کرد که هر وقت نظم قانونی و دولت قوی وجود نداشته باشد، حاکمیت نظم و قوانین غیررسمی و قبیله‌ای تقویت خواهد شد. مرتضی شویلی^۳ در تحقیق خود در مورد قانون عرفی^۴ در روستاهای افغانستان نشان می‌دهد که این قانون عرفی ذاتاً با دولت ضدیت ندارد. سرانی که نمایندگان این قانون هستند هنگامی با دولت مخالفت می‌کنند که می‌بینند

1. Kurdish Regional Government (KRG)

۲. مصاحبه با آقای دزه‌بی ساکن اربیل، در تاریخ ۱۳-۱۰-۲۰۱۹.

3. Jennifer Brick Murtazashvili

4. Customary Law

دولت هدایت شده توسط دیدگاه‌های نوسازی در رژیم سیاسی خود کمترین ارزش را برای این قانون قائل می‌شوند. اما هنگامی که اقتدار قبیله‌ای تقویت می‌شود، اگرچه مانعی برای کارآمدی نهادهای دولت می‌باشد، به‌عنوان محدودیت اقتدار دولت عمل می‌کند، در این فرایند است که توانایی همکاری دولت و اقتدار قبیله‌ای به‌وجود می‌آید. دیدگاه او بر این است که در افغانستان شکست در تأسیس یک دولت منسجم و قوی نه به‌خاطر نظم قبیله‌ای است، بلکه مسئله اساسی مربوط به خود دولت در کشورهای در حال توسعه است که می‌خواهد غیرمحدود باشد. یافته‌های تحقیق میدانی بر این تأکید دارد که افغانستان روستایی بدون قانون^۱ نیست. این طور نیست که قانون وجود نداشته باشند، بلکه وجود نوعی از نظم اجتماعی است اگرچه دولت هم ضعیف باشد. سازمان‌های قبیله‌ای منبع مهمی برای تأمین خدمات عمومی مانند امنیت و ثبات هستند (Murtazashvili, 2016, pp. 246-248).

کورستانگ^۲ در تحقیقی که میان قبایل یمن انجام داده به این نتیجه رسیده که رابطه مثبتی میان حاکمیت عرف قبیله‌ای و ضعف حاکمیت قانون دولت وجود دارد. بر این اساس هر اندازه قدرت دولت در حاکمیت قانون ضعیف‌تر باشد، تأثیر مثبتی بر تقویت قانون قبیله‌ای داشته است. دولت با نهادهای ضعیف نمی‌تواند از حاکمیت قانون همچون خیر جمعی حقیقی دفاع کند و مردم نیز در مقابل جایگزین‌هایی برای تأمین احتیاجات خود پیدا می‌کنند. نهاد غیررسمی قانون قبیله‌ای یکی از این مکانسیم‌ها است که به‌عنوان جایگزین نهادهای دولت عمل می‌کند. ضمن اینکه او در تحلیل خود بر این نظر است که مردم چه دیدگاه مثبت یا منفی درباره قانون قبیله‌ای داشته باشند، قبایل را به‌خاطر اندک امنیت و ثباتی که تأمین می‌کند، مانعی سر راه توسعه یمن نمی‌بینند (Corstange, 2008, p. 47).

تحقیق دینیو و همکاران^۳ درباره همکاری توسعه و حکمرانی در زمینه جوامع شدیداً قبیله‌ای^۴ (افغانستان، سومالی، یمن)، به این نتیجه قابل توجه رسیده که سیستم‌های قضاوت و حل منازعات (قانون عرفی قبیله‌ای، شریعت و سیستم قانونی - عقلانی) در این سه کشور درباره حل منازعات با هم رقابت می‌کنند. آن‌ها اشاره می‌کنند که قانون عرفی قبیله‌ای در این

1. Lawless

2. Daniel Corstange

3. Phyllis Dininio, Jennifer Brick Murtazashvili, Lynn Carter and Mary Hope Schwoebel

4. Heavily Tribalized Societies

جوامع تمایزی میان قانون مدنی و قانون جزایی قائل نمی‌شود. علاوه بر این، هدف اساسی این قانون بیش از آنکه حفظ حقوق یا سزای افراد باشد، ثابت نگه داشتن توازن اجتماعی در اجتماع قبیله‌ای است. با وجود این، رضایت گرفتن با پول برای جرم‌های خطرناک مانند قتل و خونریزی دیده شده است. انتقام خونی نیز به‌عنوان یکی از انتخاب‌ها در این سه مورد وجود دارد، به‌طوری‌تا چند نسل این خون‌ها ادامه داشته‌اند. در این جوامع، بر خلاف قانون عدالت غربی، فرد و قبیله جانی و قربانی و قبیله او همه در انتخاب این پیامد مشارکت دارند (Dininio, et. al. 2010, p. iii, p. 22).

در کردستان عراق تحقیقات چندانی درباره عرف و صلح عشایری تأثیر آن بر حاکمیت قانون در کردستان عراق انجام نشده است. طبق آگاهی نگارنده، تا وقت حاضر تنها دو تحقیق (سلیمان، ۲۰۰۹، طاهر، ۲۰۱۷) دیده شده، اما هیچ‌کدام از آنها از تأثیر صلح عشایری بر عملکرد دادگاه‌ها پرده برنداشته‌اند. برای مثال مقاله علمی - پژوهشی سلیمان (۲۰۰۹) از جنبه حقوقی به کارهای دفترهای اجتماعی احزاب سیاسی نگاه کرده که تفکیک عمل دفترهای اجتماعی احزاب، میان صلح و فصل را تفاوت قائل شده و بر ضرورت وجود این سازمان‌ها در حل منازعات اجتماعی تأکید کرده است. از طرفی دیگر، مطالعه دانشگاهی طاهر (۲۰۱۷) به مجموعه‌ای از عواملی اشاره کرده که موجب پناه بردن مردم به صلح عشایری در اربیل اشاره کرده، که عبارت‌اند از: ۱ - ایجاد انگیزه از سوی جهات مرتبط به صلح؛ ۲ - طولانی شدن محاکمات دادگاهی؛ ۳ - ناآگاهی حقوقی؛ ضعف نهاد قضاوت و دادگستری (طاهر، ۲۰۱۷، صص ۹۴-۱۰۵)؛ اما هیچ اشاره‌ای به تأثیر صلح عشایری بر عملکرد دادگاه نکرده است.

۲. چهار چوب نظری

هنجار از جمله مفاهیم چندبعدی است که از زوایای متعددی به آن نگریسته شده است. نظریه جامعه‌شناختی دورکیم در میان جامعه‌شناسان کلاسیک اهمیت ویژه‌ای به‌نظام هنجاری جامعه داده است، به‌طوری‌که نظم اجتماعی را در بعد انسجام هنجاری دیده و حتی جامعه از این نظر که چه کنیم و چه نکنیم و ضمانت‌های اجرایی که به کار می‌گیرد به‌عنوان یک هستی اجتماعی به وجود آمده است (بودون و بوریگو، ۱۳۸۵، ص ۷۸۱). در یک معنی هنجار اجتماعی، الگوی ثابت و تکرارپذیر رفتاری است که به دو معنی به‌کار رفته است: اول، مفهوم

هنجاری الگوی بالفعل رفتار و چیزی که «به هنجار» باشد، به طوری که اعضای جمعیتی آن را به صورت مکرر یا به صورت استاندارد و هم شکل انجام دهند. دوم، مفهوم هنجار به منزله الگوی تجویزی، که در جمعیت معینی انتظار می رود انجام گیرد و غالباً به عنوان رسم و قاعده اجتماعی نگریسته شود (آوتویت و باتامور، ۱۳۹۲، صص ۹۴۷-۹۴۸). به عبارت دیگر، بعضی از قواعد به توصیف رفتار منظم پدیده‌ها می پردازند، آن چنان که در جهان خارج وجود دارند نه آن طور که ما می خواهیم باشند. در حالی که، قواعد تجویزی متعلق به آنچه باید باشد هستند (نراقی، ۲۰۱۵، صص ۲۴، ۲۷).

هنجارهای اجتماعی یا به تعبیری دیگر قواعد اجتماعی^۱ را می توان با توجه به دو گزاره «درونی» و «بیرونی» تفکیک کرد. طبق گفته فیلسوف حقوق معاصر هربرت هارت^۲، هر جا از قواعد اجتماعی پیروی شود، دو گونه (گزاره) قابل تشخیص است: گزاره‌های درونی را گزاره‌های مرتبه اول و گزاره‌هایی را که حاکم بر گزاره‌های مرتبه اول هستند گزاره‌های مرتبه دوم در نظر گرفته است (نراقی، ۲۰۱۵، ص ۷۷). از دید هارت اهمیت دارد که مشخص کنیم منظور از این ادعا که یک گروه اجتماعی از یک قاعده پیروی می کند چیست و چه تفاوت و شباهتی با این ادعا دارد که اعضای این گروه اجتماعی برخی کارها را از روی عادت انجام می دهند (هارت، ۱۳۹۳، صص ۲۳-۲۴).

هارت در تعریف قانون، مفهوم قاعده را محور قرار داده است. این قاعده است که به رفتار ما جهت و دلیل می دهد (نراقی، ۲۰۱۵، ص ۷۵). هارت دو نوع قاعده متفاوت اما مرتبط به هم را مشخص کرده است: نوع اول صرف نظر از خواست و میل انسان‌ها، قواعدی هستند مربوط به مسئولیت و آنچه باید انجام شود (قواعد اخلاقی). اما نوع دوم قواعد، نسبت به قواعد مرتبه اول، ثانوی هستند. قواعد اول تکلیف آور^۳، در حالی که قواعد مرتبه دوم قدرت‌زا یا اجبار آمیز^۴ می باشند. قواعد نوع اول مربوط به عمل‌هایی هستند که حرکت و تغییر فیزیکی را در بر می گیرند و قواعد نوع دوم اقداماتی را مقرر می کنند که موجب ایجاد یا تغییر تکالیف و تعهدات می شوند (هارت، ۱۳۹۳، ص ۱۴۲). پس برای نظم بخشیدن به رفتارهای افراد در

1. Social Rules
2. Herbert Lionel Adolphus Hart
3. Having an obligation
4. Being obliged

جامعه به قواعد مرتبه اول نیاز داریم. اما قواعد مرتبه دوم برای نظم‌بخشیدن به قواعد مرتبه اول وضع شده‌اند. هارت معتقد است، در جامعه پیشاقانونی قبیله‌ای فقط قواعد اخلاقی و تنها هنجارهای اخلاقی برای تنظیم رفتارهای انسانی وجود دارد، ولی قواعد مرتبه دوم در آن وجود ندارند (نراقی، ۲۰۱۵، صص ۷۷-۷۸). طبق نظر هارت در جوامع قبیله‌ای، سه مسئله جدی دارند: ۱- وجود عدم قطعیت در قواعد مرتبه اول؛ ۲- ایستایی قواعد مرتبه اول؛ ۳- و ناکارآمدی آنها (هارت، ۱۳۹۳، صص ۱۵۶-۱۵۷). هارت برای رفع تعارضات قواعد مرتبه اول این‌گونه جوامع، قواعد مرتبه دوم را پیشنهاد کرده است که دارای ویژگی‌های رسمیت، تغییر قانون، و قاعده ایجاد نظام‌های مربوط به قضاوت منازعات هستند (نراقی، ۲۰۱۵، صص ۸۰-۸۲).

از نظر گوران تیربورن (۲۰۰۲) هنجار چه به‌مثابه معیار اندازه‌گیری، یا توزیع جمعیت یا به‌عنوان قواعد عمل، چیزی است راجع به آنچه انتظارات ما را نظم می‌بخشد و ما را از عدم قطعیت نجات می‌دهد. کسی که بر اساس هنجارها عمل نکند، دچار اشتباه عمل می‌شود. اما در هر صورت، آنچه برخلاف انتظارات وقوع می‌پیوندد، هنجارها را از اعتبار ساقط نمی‌کند (Therborn, 2002, p. 863). به‌بیان دیگر، هنجارها بیان‌کننده جملات تجویزی و نهی‌کننده نظیر «انجام بده» یا «انجام نده» هستند. یک هنجار در این معنا دربرگیرنده طیفی از مکانیسم‌ها برای حفظ و نگهداری است (Therborn, 2002, p. 864). مفهوم ارزش رابطه خیلی نزدیکی به هنجار دارد، به‌طوری‌که می‌توان ارزش‌ها را سرچشمه هنجارها تلقی کرد. از نظر پارسونز تنظیم هنجاری مبتنی بر اصول مشترک ارزشی است که روابط بین واحدها را در یک نظام اجتماعی سازمان‌دهی می‌کند (چلبی، ۱۳۹۴، صص ۱۴-۱۵؛ Therborn, 2002, p. 864).

هنجارهای اجتماعی را می‌توان «دستورالعمل‌ها یا گرامر اجتماعی برای تعیین وظایف و حقوق افراد برای انجام کارهای مختلف و همچنین برای توزیع حقوق و تکالیف در میان اعضای گروه و گروه‌ها» در نظر گرفت (چلبی، ۱۳۹۳، ص ۷۸). به‌عبارت‌دیگر، هنجارها پاسخ‌هایی در برابر سؤالاتی مانند اینکه چه چیزی باید یا نباید انجام داد، درحالی‌که، ارزش‌ها پاسخ‌های به سؤالاتی مانند «چه باید یا نباید باشد» هستند (چلبی آ، ۱۳۹۷، ص ۶۲).

چلبی با تأکید بر وجودشناسی نیروی هنجاری معتقد است، هنجارها زمانی ظهور پیدا می‌کنند و احساس می‌شوند که نیروهایی بر رفتار کنشگران فردی و جمعی وارد کنند. او با

استفاده از ملاک‌های دورکیم برای پدیده اجتماعی، سه بعد را برای فشار هنجاری تعریف کرده که عبارت‌اند از: ملاک اجبار (فشار ناشی از تعهد)، ملاک عمومیت، و ملاک بیرونیت. طبق تعریف او، اجبار (فشار ناشی از تعهد) عبارت است از میزان تراکم اجتماعی یا اخلاقی (میزان احساس تعهد و میزان علقه اجتماعی). عمومیت را تعداد افرادی که دارای احساس تعهد مشترک است در نظر گرفته است. اما بیرونیت به تقدم ساختار هنجاری اشاره دارد. او در یک تقسیم‌بندی، پنج دسته هنجار در هر جامعه را مشخص کرده است: ۱- هنجارهای اجرا در زمینه‌ها و حوزه‌های خاص زندگی؛ ۲- هنجارهای عضویت و عدم عضویت در گروه؛ ۳- هنجارهای سلوک در ملاء عام یا حوزه عمومی؛ ۴- هنجارهای ضمانت اجرا؛ ۵- هنجارهای توزیع منابع ارزشمند (چلبی، ۱۳۹۴، ص ۷۸، ۱۱۰).

اما راجع به هنجارهای قبیله‌ای از دو جهت موضوع جامعه‌شناختی تلقی می‌شوند: ۱- اینکه هنجارهای قبیله‌ای دارای ویژگی‌های تنگ‌نظرانه و خاص‌گرایانه هستند؛ ۲- پیروی از هنجارهای قبیله‌ای به موقعیت و شرایط بستگی دارد که کنشگران اجتماعی در آن قرار می‌گیرند. هنگامی هنجارهای قبیله‌ای مخصوص گروه قبیله یا عشیره به شیوه‌ای در میان اکثریت مردم عمومیت پیدا کنند، یا از سطح گروهی به سطح جامعه اعمال کنترل کنند، وضعیت خاص‌گرایی قبیله‌ای در نهادهای جامعه غالب می‌شود. منطق قواعد قبیله‌ای مبتنی بر به‌کارگیری نیروی فیزیکی برای اجبار طرف مقابل است، ممکن است به‌صورت امر واقع ادامه یابد، که با تغییر شرایط امکان بازظهور تنش میان دو طرف وجود دارد. با توجه به این می‌توان قواعد قبیله‌ای را مبتنی بر مجموعه‌ای از ویژگی‌های خویشاوندگرایی، خشونت‌گرایی، کوتاه‌نظری و نابرابری در نظر گرفت، که در طول زمان موجودیت خود را در میان گروه‌های محدود خویشاوندی و عشیره‌ای حفظ می‌کند. این قواعد مبتنی بر معیارهای تعمیم‌یافته نیستند، یا ناظر به معیارهای درونی اجتماعات قبیله‌ای هستند، در نتیجه امکان کنترل خشونت و نابرابری را ندارند، چون خود را تحت هیچ قاعده و حکم ثانویه قرار نمی‌دهند که مورد ارزیابی قرار گیرند. آن‌ها در حاشیه و مستقل از قواعد عمومی عمل می‌کنند و می‌توانند حاکمیت قواعد عمومی یا قانونی مورد تهدید قرار دهند.

در مورد حاکمیت دادگاه که به‌عنوان نهادهای تطبیق قانون مورد توجه هستند، باید ضمن

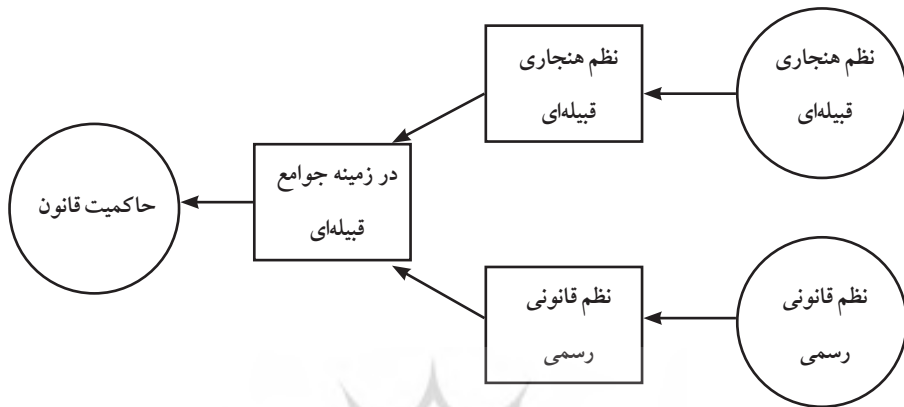
مفهوم جامعه‌شناختی حاکمیت قانون^۱ مورد توجه واقع شود. ایده اساسی حاکمیت قانون از منشور کبیر^۲ در بریتانیا آمده که بر اساس آن که هیچ کس، حتی خود شاه نباید بالاتر از قانون باشد (چلبی، آ، ۱۳۹۷، ص ۱۶). مفهوم حاکمیت قانون میان فرمالیست‌ها و محتواگرایان حقوقی متفاوت است. فرمالیست‌ها در حاکمیت قانون، بر منبع مناسب و قانونی بودن متمرکز می‌شوند، در حالی که محتواگرایان همسازی قانون با اصول عدالت و اخلاق را اساسی می‌دانند (Tamanaha, 2004, p. 92). لون فولر^۳ که بیشتر برداشتی رویه‌ای یا شکلی از حاکمیت قانون را در نظر دارد، معتقد است برای حاکمیت قانون باید به ساختار درونی قانون توجه کرد، چون این آرمان‌های اخلاقی قانونی است که حاکمیت مؤثر قواعد عام بر شهروندان را ملزم می‌کند و شهروندان در گسترش آنها همت به خرج می‌دهند (بیکس، ۱۳۹۳، ص ۱۵۶). در مقابل نظریه‌پردازان ماهوی یا محتوایی، پایبندی به اصول دموکراسی و حقوق بشر را در حاکمیت قانون مورد توجه قرار می‌دهند. از طرفی، حاکمیت قانون با حاکمیت به وسیله قانون^۴ تفاوت دارد: «در حاکمیت قانون، قانون مافوق همه چیز است و قادر است مانع سوءاستفاده حاکمان از قدرت شود. اما حاکمیت به وسیله قانون، ابزاری است در دست قدرتمندان که به آنان امکان می‌دهد تا سوءاستفاده‌های مالی و سیاسی خود را از قدرت تحت پوشش قانونی انجام دهند» (چلبی، آ، ۱۳۹۷، ص ۱۷)..

در حاکمیت قانون صحبت از اقتدار و سلطه قانونی است. این نوع اقتدار اعتقاد به اعتبار دستگاه حقوقی و توانایی کارکردی مبتنی بر قوانین عقلانی است. در این حالت انتظار می‌رود که صاحبان قدرت در مقابل قانون به تعهدات خود عمل کنند. برعکس، در حاکمیت و اقتدار سنتی، هنجارهای سنتی و قبیله‌ای اعتبار خود را از گذشته دور کسب می‌کنند که در سلطه پدر و سران موروثی نمایان می‌شود. با توجه به گفته وبر می‌توان اظهار کرد که سلطه سازمان یافته از هر نوعی که باشد نیازمند کارکنان اجرایی و در دست داشتن ابزارهای مادی به کارگیری زور یا خشونت توسط دستگاه اداری است. کارکنان اجرایی به ابزارهای اجرایی نیاز دارند، این ابزارها ممکن است شامل پول، ابزار جنگی.. باشند (وبر، ۱۳۹۲، صص ۹۳-۹۵). اما هنگامی

1. Rule of Law
2. Magna Carta
3. Lon L. Fuller
4. Rule by Law

که دستگاه اجرای قانون فاقد این ظرفیت‌ها باشد و در مقابل این ظرفیت‌ها در دست گروه‌های سیاسی و قبیله‌ای باشد، مسلماً حاکمیت قانون تضعیف خواهد شد.

نمودار (۱) روابط نظری میان نظم هنجاری و نظم قانونی



۳. روش تحقیق

با توجه به اینکه قواعد و هنجارها ماهیت پنهانی دارد، تنها در روابط و مناسبات می‌تواند بر وجود آنها استدلال کرد. در نتیجه نیاز به روش ژرف‌کاوی خواهد بود. برای توصیف ساختار، از روش کیفی برای توصیف قواعد موجود در میان کنشگران استفاده شده است. به عبارت بیکچیری^۱ (۲۰۰۶) ساختار هنجاری جامعه همانند قواعد گرامری برای زبان عمل می‌کنند، و تنها هنگام به‌کارگیری بر وجود آنها پی خواهیم برد. به‌ویژه آنچه موردپسند و مقبول یک گروه اجتماعی را مشخص می‌سازد (Biccheiri, 2006, p. ix).

روش مناسب در این تحقیق کیفی است، به این معنی که داده‌های آن از طریق عملیات آماری به دست نیامده باشد. تحلیل در روش کیفی عمدتاً تفسیری است، این تفسیر به منظور کشف مفاهیم (جدید) و یا رابطه‌ها در داده‌های خام و سازمان‌دهی آنها در قالب طرح توضیحی نظری انجام می‌شود. پژوهش کیفی اساساً شامل سه جزء است: تولید داده از منابع مختلف، ترتیبات و سازمان‌دهی داده‌ها، و نسبت‌دهی مقوله‌ها به هم (استراوس و کرین، ۱۳۹۰، صص ۳۲ - ۳۳). در این تحقیق برای بررسی تأثیر نیروی هنجاری صلح عشایری بر عملکرد دادگاه در شهر اربیل، از فن مصاحبه‌های عمیق (و نیمه ساخت‌یافته) با نخبگان عشایر، مسئولان حزبی

1. Cristina Bicchieri

امور اجتماعی عشایر، و بعضی از نخبگان دادگستری، و دانشگاهی استفاده شده است. بنابراین بعضی وقت‌ها از دل سئوالات قدیم، سئوالات جدید سر برمی‌آورد، که پرسیدن آن ضرورت پیدا می‌کند. همه این سئوالات در راستای هرچه بیشتر ارتباط برقرار کردن با واقعیت زیرین، یا به تعبیر کارل پوپر نزدیک شدن به حقیقت (پوپر، ۱۳۹۵) و دوری جستن از خیال‌پردازی بوده است. در تحلیل داده‌های مصاحبه، از فن تماتیک^۱ یا موضوعی استفاده شده است. در این نوع تحلیل ابتدا برای الگوییابی در داده‌ها تلاش می‌شود، به این معنی که داده‌ها به دست آمده را باید با تم‌ها^۲ یا مقوله‌ها حمایت کرد یا تم‌ها را از دل داده‌ها استخراج کرد (محمدپور، ج ۲، ۱۳۹۲، صص ۶۶-۶۷).

جامعه آماری تحقیق شامل چهار دسته از نخبگان جامعه کردستان می‌شود: ۱- نخبگان عشایر: از استان سلیمانیه عبارت‌اند از: میراودلی، نورالدینی، سادات برزنجی پشدر، مامش، آکو، غفوری؛ از استان اربیل: دزه‌یی، هرکی، گردی، بارزانی؛ و از استان دهوک عشایر سورچی، زیباری به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. برای انجام مصاحبه با نخبگان عشایر مدت ۱۷ روز به طول انجامیده (۱۳-۲۹ اکتبر ۲۰۱۹). ۲- دسته دوم عبارت‌اند از مسئولان دفتر اجتماعی احزاب سیاسی KDP (۲۰۱۹/۲/۱۰)، PUK (۲۰۱۹/۷/۱۷)، IUK (۲۰۱۹/۱۱/۲). ۳- قضات و وکیل دادگستری، که مدت ۴ روز طول کشید (۴-۲۰۱۹/۱۱/۷) تا مصاحبه با ۵ قاضی^۳ در دادگاه تجدیدنظر اربیل و یک وکیل دادگستری که بر روی مورد‌های جنایی که با صلح عشایری حل شده‌اند انجام شود. ۴- دو نفر از نخبگان فرهنگی: استاد علوم سیاسی دانشگاه صلاح‌الدین (۱۹-۱۰-۲۰۱۹) و دانشگاهی و عضو فرهنگستان کرد در اربیل (۳۰-۱۰-۲۰۱۹).

۴. یافته‌های تحقیق

طبق داده‌های تحقیق (جدول ۱)، صلح عشایری در مورد‌های مانند انواع قتل و خون‌ریزی، انتقام‌گیری، مسائل ناموسی، منازعات ارضی و بعضی دیگر از رویدادهای اجتماعی انجام می‌شود. اما از خطرناکترین مسائل اجتماعی میان عشایر مسئله قتل و ناموس است. مکانیسم

1. Thematic analysis

2. Themes

۳. لازم به ذکر است منظور از شماره‌های که در پناه قضات (قاضی ۱، قاضی ۲...) حفظ نام آنها است. طبق اظهارات خودشان، محقق عدم ذکر نام آنها را به ایشان متعذ شده است.

صلح عشایری با وجود اینکه حل منازعه را پایان می‌دهد، اما سودهای مالی برای بعضی از مصلحان اجتماعی عشایر را دارد. کسانی که توسط دادگاه محکوم به زندان می‌شوند، اما اگر مسئله را از نظر عشایری حل نکرده باشد، جانشان در خطر خواهد بود. در نتیجه، مصداق نیروی هنجاری قانون قبیله‌ای را می‌توان در همین مصالحه‌ها مشاهده کرد. تغییر نگرش به زن در بعضی از عشایر، باعث شده که به‌جای دادن دختر در خون‌بس، گرفتن پول در مصالحه مد نظر اطراف منازعه واقع شود. گرچه بعضی از عشایر هنوز وفاداری و تعهد به هنجارهای قبیله‌ای در دادن دختر لازم می‌دانند، چون معتقداند دادن دختر موجب تقویت روابط خویشاوندی می‌شود.

از مهم‌ترین مراحل فرایند صلح، پیدا کردن سرخ‌های روابط دوستی و خویشاوندی است، چون بدون شناخت کافی از این روابط راضی شدن برای گفتگو کار ناشایستی است که هنگام مصاحبه با آغای عشیره خوشناو بر آن تأکید کرد. گرچه وجود دیوان‌خانه‌ها در روستا طبیعی به‌نظر می‌رسد، اما افزایش آنها در داخل شهر اربیل خود مسئله قابل توجهی است. از مصاحبه با سران عشایر و مسئولان دفتر اجتماعی چنین بر می‌آید که بروز جنگ‌سالاران عشایر در احزاب حاکم یکی از دلایل چنین پدیده‌ای در شهرها باشد. به‌عبارت دیگر، آن‌ها همزمان دارای قدرت اجتماعی - سیاسی و نظامی هستند که توانایی پناه‌دان به مردمان خلاف‌کار و انجام صلح تحت شرایط تهدیدآمیز به طرف مقابل را دارند.

مقولات	مفاهیم	تأیید شده توسط مصاحبه‌شوندگان
خرنی شدن صلح عشایری	۱ - ضرورت وجود ارگان مربوط به صلح در احزاب	مصاحبه با: عضو دفتر اجتماعی KDP اربیل: ۲-۱۰-۲۰۱۹؛ عضو دفتر اجتماعی PUK سلیمانیه: ۱۷-۷-۲۰۱۹؛ مسئول دفتر اجتماعی IUK اربیل: ۲-۱۱-۲۰۱۹؛
	۲ - تفاوت در انجام صلح عشایری در میان احزاب کردستان عراق وجود ندارد	مصاحبه با مسئول دفتر اجتماعی IUK اربیل: ۲-۱۱-۲۰۱۹؛
	۳ - خاندان بارزانی در حزب KDP مانع منحل شدن دفتر اجتماعی حزب شده‌اند	مصاحبه با عضوی از عشایر بارزانی، ۱۴-۱۱-۲۰۱۹؛
	۴ - مورد قبول واقع شدن صلح عشایری توسط دادگاه	مصاحبه با: عضو دفتر اجتماعی KDP: ۱۰-۲-۲۰۱۹؛ قاضی ۴: ۷-۱۱-۲۰۱۹؛

۱. مصاحبه با آغای عشیره خوشناو ساکن اربیل، در تاریخ ۱۴-۱۱-۲۰۱۹.

<p>مصاحبه با: عضو دفتر اجتماعی KDP اربیل: ۱۰- ۲-۲۰۱۹؛ قاضی ا: ۱-۱۱-۲۰۱۹؛ نخبه اجتماعی - سیاسی PUK اربیل: ۱۵-۱۰-۲۰۱۹؛ وکیل مشاور: ۴-۱۱-۲۰۱۹؛ قاضی ۲: ۶-۱۱-۲۰۱۹؛ قاضی ۴: ۷-۱۱-۲۰۱۹؛</p>	<p>۱ - تفاوت در دایره مشمولین به انتقام میان شهر و روستا</p>	فشار هنجاری
<p>مصاحبه با: عضو دفتر اجتماعی KDP: ۱۰-۲-۲۰۱۹؛ وکیل مشاور: ۴-۱۱-۲۰۱۹؛ قاضی ا: ۱-۱۱-۲۰۱۹؛</p>	<p>۲ - قتل ناموسی: بر اساس یک گمان است</p>	
<p>مصاحبه با: آقای دزه‌یی: ۱۳-۱۰-۲۰۱۹؛ نخبه سیاسی - اجتماعی اربیل PUK: ۱۵-۱۰-۲۰۱۹؛ با آقای غفوری: ۲۷-۱۰-۲۰۱۹؛ آقای عشیره هرکی: ۱۶-۱۰-۲۰۱۹؛ با شیخ برزنجی: ۲۵-۱۰-۲۰۱۹؛ آقای میراودلی: ۲۶-۱۰-۲۰۱۹؛</p>	<p>۳ - مشکلات ارضی: این مناسبات استثمارگرایانه، قبل از اصلاحات ارضی طغیان‌های دهقانی بروز کرده است، افکار چپ، اصلاحات ارضی، حزب‌گرایی، روابط اقطاعی را شکست داده است</p>	
<p>مصاحبه با: وکیل مشاور: ۴-۱۱-۲۰۱۹؛ شیخ عشیره سورچی: ۳۱-۱۰-۲۰۱۹.</p>	<p>۴ - دادن خون‌بها (خون‌بس) بیشتر با پول و بعضی وقت‌ها با دادن دختر به صاحب خون، دادن دختر را بهتر دیده‌اند چون روابط خویشاوندی هم بوجود می‌آورد</p>	
<p>مصاحبه با: آقای خوشناو: ۱۴-۱۱-۲۰۱۹؛ وکیل مشاور: ۴-۱۱-۲۰۱۹؛ آقای دزه‌یی: ۱۳-۱۰-۲۰۱۹؛</p>	<p>۱ - از همه مهمتر پیدا کردن کسانی تأثیرگذار بر صاحب خون، صرف‌نظر کردن از انتقام‌گیری، صحبت درباره خون‌بس، وجود تهدید در بعضی وقت‌ها به اطراف مصالحه هم برای صلح و هم برای حفظ آن،</p>	فرایند صلح عشایری
<p>مصاحبه با نخبگان عشایر، سیاسی و دادگستری: ۱۰-۲ تا ۱۴-۱۱-۲۰۱۹؛ نخبه سیاسی - اجتماعی اربیل PUK: ۱۵-۱۰-۲۰۱۹؛ وکیل دادگستری: ۴-۱۱-۲۰۱۹؛ عضو دفتر اجتماعی PUK سلیمانیه: ۱۷-۷-۲۰۱۹؛ قاضی ا: ۱-۱۱-۲۰۱۹؛ آقای خوشناو: ۱۴-۱۱-۲۰۱۹؛</p>	<p>۲ - ایجاد دیوان‌خانه‌های شهری برای مصالحه، بعضی از سران جنگی و حزبی نیز صلح را انجام می‌دهند، مرتبط شدن این دیوان‌خانه‌ها مستقیم یا غیر مستقیم به دادگاه‌ها؛ پول‌گیری توسط بعضی از دیوان‌خانه‌ها</p>	

۵. تحلیل شرایط ساختاری

۵ - ۱ ساختار روابط قبیله‌ای

در کردستان عراق هر فردی در جامعه دارای روابط خانوادگی، خاندانی، و عشیره‌ای است.

این روابط تار و پود ساختار اجتماعی کردستان را در بر گرفته، به طوری که فرایندهای اجتماعی - سیاسی را تحت تأثیر می‌دهد (Couch, 2015, p. 8). از داده‌های تحقیق مشخص می‌شود که صلح عشایری در شهر اربیل در حال افزایش است^۱، که نشان قبیله‌گرایی مجدد^۲ است. همان‌طور که تقویت صلح عشایری در مقابل ضعیف‌شدن اعتبار فرایندهای دادگاهی از سوی مصاحبه‌شوندگان تأیید شده است. بنابراین، تقویت ساختار عشیره‌ای همان افزایش نیروی هنجاری عشیره‌ای بر رفتار مردم را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های مصاحبه، تأثیر نیروی هنجاری عشیره در میان مردمان روستایی قوی‌تر از ساکنان شهری است^۳.

در تحلیل ساختار عشیره‌ای کردستان می‌توان هم به روابط میان عشایر و هم به ساختار هنجاری عشایر آنها اشاره کرد. با توجه به داده‌های مصاحبه، می‌توان روابط میان عشایر مورد مطالعه را در دو دیاگرام (۱) و (۲) ترسیم کرد. در دیاگرام اول می‌توان از چند نوع رابطه میان عشایر مورد بررسی پرده برداشت: ۱- روابط منفی (خصمانه): در دیاگرام این نوع روابط میان عشیره نورالدینی^۴ و میراودلی^۵ دیده می‌شود. در گذشته به علت روابط اقطاعی که از سوی آگاهای میراودلی بر عشایر دهقانی نورالدینی اعمال شده بود، تنش‌های بعدی تا سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ ادامه داشته است. گرچه این روابط امروز نشان از همزیستی در کنار هم دارد، اما منفی‌گرایی در هر دو عشیره در مصاحبه‌ها تأیید شده است. روابط منفی را همچنین می‌توان میان دو عشیره میراودلی و مامش^۶ نیز مشاهده کرد. این تنش‌ها تا دهه ۱۹۶۰ ادامه داشته است. علت درگیری میان میراودلی و مامش را همان روابط اقطاعی ذکر کرده‌اند. گرچه در مصاحبه‌ها هیچ‌گونه انگیزه‌های منفی در دو عشیره ثبت نشد، اما یورش میراودلی‌ها بر روستاهای مامش (برعکس) در گفتگو با ریش سفید مامش تأیید شده است. ۲- روابط مسالمت‌آمیز (مثبت): در

۱. گزارش کانال تلویزیون ماهواره‌ای الجزیره در تاریخ (۱۶ آوریل ۲۰۱۸).

2. Retribalization

۳. مصاحبه با وکیل مشاور دادگستری در اربیل، در تاریخ ۴-۱۱-۲۰۱۹؛ قاضی ۲ در دادگاه تجدیدنظر، مرکز شهر اربیل، در تاریخ ۶-۱۱-۲۰۱۹؛ عضو دفتر اجتماعی KDP، در تاریخ ۱۰-۲-۲۰۱۹؛ مسئول دفتر اجتماعی JUK، در تاریخ ۲-۱۱-۲۰۱۹؛ مصاحبه با نخبه اجتماعی - سیاسی PUK اربیل، در تاریخ ۱۵-۱۰-۲۰۱۹.

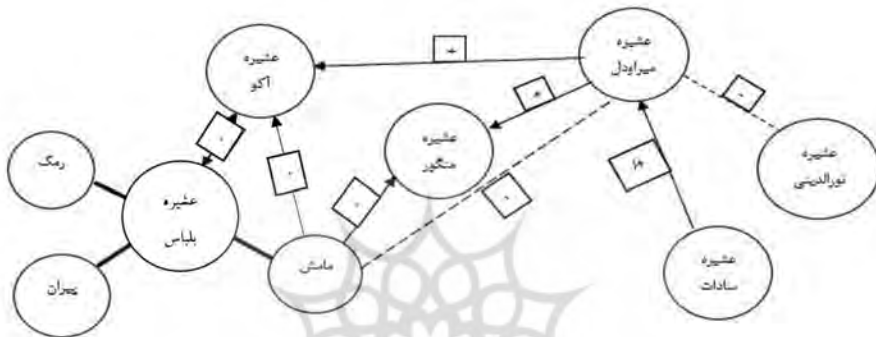
4. Nuradini

5. Mirawdali

6. Mamash

مصاحبه‌ها با نخبگان عشایر، عشیره مامش با منگور^۱ و آکو^۲، میراودلی با آکو و منگور، و آکو با بلباس^۳ بر روابط صمیمانه تأکید کرده‌اند. ۳- روابط اتحادی: تا قبل از شکل‌گیری دولت عراق (۱۹۲۰)، کنفدراسیون بلباس برقرار بود. در گذشته ریاست قبیله میان آگاهای عشایر مامش، منگور، رمک^۴ و پیران^۵ تبادل می‌شد. امروز به غیر از رمک و پیران، بخش‌های دیگر کنفدراسیون بلباس، مستقل از عشیره بلباس هستند.

دیاگرام (۱) روابط کشف شده میان عشایر منطقه پشدر - برادر (بتوین) از استان سلیمانیه با استفاده از مصاحبه‌ها



اما در مورد دیاگرام دوم که مربوط به روابط میان عشایر استان اربیل و دهوک است، می‌توان چند نوع رابطه را کشف کرد: اولاً: در استان اربیل: ۱- روابط صمیمانه میان عشایر: غفوری^۶ و خوشناو^۷، دزه‌یی^۸ و بارزانی^۹، گردی^{۱۰} و دزه‌یی، گردی و بارزانی، زیباری^{۱۱} و بارزانی، هرکی^{۱۲} و بارزانی برقرار است. ۲- کنفدراسیون بارزانی، که خود متشکل از ۵ عشیره است، به‌عنوان کنشگر مرکزی در دیاگرام با توجه به داده‌های مصاحبه نشان داده شده است. ۳- عشیره دزه‌یی

1. Mangur
2. Ako
3. Bilbas
4. Ramk
5. Piran
6. Ghafuri
7. Khoshnaw
8. Dezaiy
9. Barzani
10. Gardi
11. Zebari
12. Harki

حاکم عشیره‌ای است (حسن، ۱۳۹۶، صص ۲۲۲). از میان گفته بعضی از مصاحبه‌شوندگان مشخص شد که تفکیک میان حزب و عشیره در (KDP) کاری است که همیشه هنگام صحبت از عشیره باید از حزب صحبت کرد، و هنگامی که از حزب صحبت می‌شود ناخودآگاه به موضوع عشیره سرکشیده می‌شود.^۱ مصداق صورت‌بندی حزب - عشیره را در کردستان می‌توان در خاندان بارزانی مشخص کرد، به طوری که، طبق گفته یکی از بارزانی‌ها اگر آنها از سیاست کردی کناره‌گیری کنند، نظم سیاسی کردستان مختل می‌شود.^۲ از طرفی دیگر، برخلاف برنامه سیاسی حزب اتحاد میهنی کردستان (PUK) که خود را یک حزب سوسیال - دموکراتیک معرفی کرده است (پروگرام PUK، ۲۰۱۱، صص ۳۸)، اما این حزب از سال ۱۹۹۱ چرخش ۱۸۰ درجه‌ای به سوی بخش‌هایی از عشایر (زیباری، هرکی، سورچی، برداوست) متخاصم با بارزانی‌ها را آغاز کرده است^۳ و در همان حال، مخالفتی با بروز سیاسی پسران آقای خاندان‌های عشایر در حزب ندارند.^۴

۵-۳ ناکارآمدی نهادها

در کردستان عراق، نهادهای حکمرانی توسط دو حزب حاکم (KDP) و (PUK) کنترل می‌شوند. برای مثال، احزاب حاکم با دخالت در امور دادگاه‌ها، می‌توانند خواسته‌های سیاسی و منافع خود را زیر پرده قانون مخفی کنند. به عبارت دیگر، چندین عامل در تضعیف حاکمیت نهاد قانونی دخالت دارند: ۱ - یکی از عوامل تضعیف حاکمیت قانون، دخالت احزاب حاکم سیاسی است. چون هنگامی که نیروهای سیاسی، نیروی اجبار دولت را به کنترل در آورند، با دخالت در امور دادگاهی، می‌توانند حاکمیت قانون را نیز در دست داشته باشند و آنگاه به قدرتی بالاتر از قانون هم تبدیل شوند (هیود، ۱۳۹۵، صص ۴۶). امروز در کردستان حاکمان سیاسی با دو مکانیسم می‌توانند حاکمیت قانون را تضعیف کنند: وابستگی‌های عشیره‌ای و وابستگی‌های سیاسی. از طریق وابستگی‌های عشیره‌ای زمینه تقویت نفوذ سران عشایر در نهادهای حکمرانی تقویت می‌شود. همان‌طور که وابستگی سیاسی، ضرورت احترام به روابط

۱. مصاحبه با شیخ عشیره سورچی ساکن ناحیه بجیل، قضای عقره (آکری)، استان دهوک، تاریخ ۳۱-۱۰-۲۰۱۹.

۲. مصاحبه با عضو عشایر بارزانی ساکن اربیل، تاریخ ۱۴-۱۱-۲۰۱۹.

۳. مصاحبه با استاد علوم سیاسی دانشگاه صلاح‌الدین ساکن اربیل، تاریخ ۱۹-۱۰-۲۰۱۹.

۴. مصاحبه با عضو دفتر اجتماعی PUK اربیل، تاریخ ۱۷-۷-۲۰۱۹.

حزبی و تصمیمات ارگان‌های حزبی در دادگاه را مهیا کرده است.^۱ ۲ - یکی دیگر از عوامل تضعیف حاکمیت قانون، ناکارآمدی عملکرد دستگاه اجرایی حکومت است. آن‌ها هنگام پیگرد قانونی خلاف‌کاران، با قدرتی برتر (احزاب و سران عشایر مرتبط با آنها) خارج از قدرت دستگاه اجرایی و پلیس روبرو می‌شوند.^۲ ۳ - مکانیسم انتخابات پارلمانی در میان عشایر، موجب انتخاب افراد ناشایست برای نهاد قانون‌گذاری (پارلمان) شده است.^۳ ۴ - تضعیف اعتبار کار دادگاه از سوی نهاد رهبری اقلیم کردستان. اکثریت قضات دادگاه تجدیدنظر به این موضوع اشاره کردند که عفو عمومی که از سوی نهاد رهبری اقلیم کردستان صادر شده اعتباری برای کار دادگاه باقی نگذاشته است. آن‌ها معتقدند که تاکنون سه عفو عمومی ۲۰۰۷، ۲۰۱۲، ۲۰۱۷ برای مجرمان خطرناک صادر شده است و موردهای دیگری هستند که به انتظار عفو چهارم نشسته‌اند. طبق این عفو‌ها کسانی که تا قبل از تاریخ ۲۶-۱۱-۲۰۱۷ اگر کسی صلح عشایری انجام دهد، حکمش از اعدام به زندان مادام‌العمر، و از زندانی مادام‌العمر به ۱۵ سال حبس و از آن به ۱۰ تا ۵ سال حبس کاهش پیدا می‌کند.^۴

بر اساس داده‌های تحقیق، می‌توان چندین نوع دخالت در امور دادگاهی را نشان داد: ا - دخالت از سوی دفتر اجتماعی احزاب حاکم (KDP) در منطقه اربیل و (PUK) در منطقه سلیمانیه. شواهد دال بر دخالت در دادگاه‌های اربیل: «حکم زندانی یک نفر را از دو سال به یک سال تخفیف دادیم»^۵. عضو دفتر اجتماعی یکی از احزاب سیاسی می‌گوید: «خود احزاب هستند که نمی‌خواهند قانون حاکم باشد»^۶. هنگام مصاحبه با یکی از قضات دادگاه^۷ توسط یکی از مسئولان دفتر اجتماعی KDP با تلفن همراه توجیهاتی درباره موردی از قتل را به قاضی املا کرد و در مقابل آمادگی خود را برای همکاری در هر کاری که قاضی داشته باشد اعلام داشت، در مقابل قاضی هم امکان همکاری در حد توان نشان داد.^۸

۱. مصاحبه با وکیل مشاور در اربیل، تاریخ ۴-۱۱-۲۰۱۹؛ همچنین مصاحبه با قاضی ۴ در دادگاه تجدیدنظر، تاریخ ۷-۱۱-۲۰۱۹.

۲. مصاحبه با قاضی ۵ در دادگاه تجدیدنظر اربیل، تاریخ ۱۲-۱۱-۲۰۱۹.

۳. مصاحبه با قاضی ۴ در دادگاه تجدیدنظر اربیل، تاریخ ۷-۱۱-۲۰۱۹.

۴. مصاحبه با وکیل مشاور در اربیل، تاریخ ۴-۱۱-۲۰۱۹؛ همچنین با قضات (۳، ۲، ۱) دادگاه تجدیدنظر به ترتیب در تاریخ ۷-۱۱-۲۰۱۹؛ ۶-۱۱-۲۰۱۹؛ ۴-۱۱-۲۰۱۹.

۵. مصاحبه با عضو دفتر اجتماعی KDP اربیل، تاریخ ۲۴-۲-۲۰۱۹.

۶. مصاحبه با عضو دفتر اجتماعی PUK سلیمانیه، تاریخ ۱۷-۷-۲۰۱۹.

۷. مصاحبه با قاضی ۱ دادگاه تجدیدنظر اربیل، تاریخ ۴-۱۱-۲۰۱۹.

۸. مشاهده هنگام مصاحبه با قاضی شماره ۱ تاریخ ۴-۱۱-۲۰۱۹.

یکی از مسئولان اتحاد میهنی معتقد است که «سیستم قانون، کار را پیچیده می‌کند اما صلح عشایری آسان‌ترین راهی است که هر دو طرف را راضی می‌کند. این مملکت نیاز به آسان‌ترین راه دارد نه پیچیده. به همین خاطر خود قاضی و وکیل ۸۵٪ به کار ما اعتبار دارند اما اعتراف نمی‌کنند. می‌بینید که وکلا در این دفتر کار می‌کنند. قاضی داریم که عضو پارلمان هم بوده است اما امروز به‌عنوان مشاور در این دفتر کار می‌کند. به همین خاطر می‌توان نتیجه گرفت که کارهای دفتر اجتماعی احزاب برای واقعیت اجتماعی امروز کردستان ضرورت دارد»^۱.

از دید آغای هرکی حاکمیت قانون در حکومت اقلیم کردستان تضعیف شده است: «می‌بینید قاتل آزاد شده و قربانی در زندان است، چون قاتل توسط یکی از مسئولان نظامی یا حزبی یا حکومتی پناه داده شده است. عشایر هم در تضعیف حاکمیت قانون نقش دارند. اگر شما کسی را بکشید، مثلاً به آغای معینی پناه می‌برید. این پناهگاه دیوان‌خانه سران عشایر بانفوذ هستند و گاه مسئولان حزبی‌اند که افراد مسلح در حول و حوش خانه‌شان زیادند. اگر قانون حاکم باشد کسی نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد.. درواقع (بعضی از) قضات دادگاه‌ها نیز با وابستگی حزبی به این منصب رسیده‌اند که با این کارش نمی‌تواند یک قاضی قوی باشد، همیشه به‌طور نابرابر عمل خواهد کرد. حزب این کار را می‌کند تا بتواند در مواردی که قاضی درباره‌اش قضاوت می‌کند جانب مسئول را بگیرد و نمی‌تواند این کار را هم نکند، چون او آن قاضی را در آنجا گذاشته است..»^۲. این آغا در همان حال از بودن اعضای از عشیره خود و نام‌بردن آن‌ها خودداری نکرد و گفت: «هرکی در میان قضات چهار نفر دارند این قضات هرگز نمی‌ترسند، پاک هستند. یک از آنها از خاندان آغاها است.. این قضات در همان حال که در کار دادگاه هستند، اما به دیوان‌خانه وفادارند..».

اما وضعیت ناهنجار فقط دخالت در کار دادگاهی نیست، بلکه تهدیدی است که توسط یکی از وکلای دادگستری اشاره شده است: «بله تهدید به وکلا شده است.. حتی در جلو در دادگاه وکیل را تهدید کرده‌اند»^۳. در دادگاه نیز این تهدیدات وجود دارند: «تهدید در فرایند دادگستری وجود دارد. کسانی خارج از محوطه دادگاه یک زن را کشتند..» همچنین می‌گویند: «افراد عشایر هنگامی که سلاح در دست داشته باشند، فرق نمی‌گذارد که شما در چه مرتبه‌ای

۱. مصاحبه با عضو دفتر اجتماعی PUK سلیمانیه، تاریخ ۱۷-۷-۲۰۱۹.

۲. مصاحبه با آغای هرکی ساکن اربیل، تاریخ ۱۶-۱۰-۲۰۱۹.

۳. مصاحبه با وکیل مشاور در اربیل، تاریخ ۴-۱۱-۲۰۱۹.

هستید اگر بخواهد شمارا می‌کشند...» او ادامه می‌دهد: «از کشف کردن بعضی از حقایق، انسان می‌ترسد...» «قدرتی خارج از دادگاه‌ها و فوق قانون وجود دارد که نمی‌خواهد قانون حاکم باشد... قاتل پناه داده می‌شود»^۱. یکی دیگر از قضات اشاره می‌کند که: «تهدیدات وجود دارد اما ما در نظر نمی‌گیریم. من فقط حساب امروز را در دست دارم حساب فردا را نمی‌کنم.. بعضی از طریق موبایل تهدید می‌کنند»^۲.

این دخالت‌ها معمولاً از چند طریق انجام می‌شود: «فرایند دخالت در امور دادگاه برای نجات کسی از سزا، با چهار مکانیسم انجام می‌شود، که عبارت‌اند از: ابتدا از سوی مسئولان و افراد مقتدر نظامی و عشائری و حزبی با استفاده از تلفن همراه صورت می‌گیرد. اگر این مکانیسم کار نکرد، این اشخاص به دادگاه می‌آیند حضوراً با قاضی صحبت می‌کنند. اگر این مکانیسم ناکارآمد باشد، از طریق خویشاوندان قاضی عمل می‌کنند. در آخر ممکن است از سوی یکی آدم‌کش تهدیدی از طریق موبایل برای شما ارسال می‌شود»^۳.

۶. مدل پارادایمی تحقیق

با توجه به داده‌های تحقیق، می‌توان به شرایط زمینه‌ای دست پیدا کرد که به‌عنوان نیروهای علی عمل می‌کنند و حاکمیت قانون را تحت تأثیر قرار می‌دهند. می‌توان روابط ساختارها و کنشگران را در مدل برآمده از داده‌های تحقیق (مدل پارادایمی) به‌صورت زیر نشان داد:

۱ - ساختار قبیله‌ای / عشیره‌ای جامعه کردستان نوعی از وابستگی هنجاری و رابطه‌ای را هم برای احزاب سیاسی و هم برای نخبگان حاکم ایجاد کرده است. پشتیبانی سران عشایر از احزاب، همبستگی میان حزب و عشیره بوجود آورده، در همان حال موجب پشتیبانی از هنجارهای عشیره‌ای نمایان شده در صلح عشایری را بروز داده است. صلح عشایری شیوه‌ای است مبتنی بر قواعد و هنجارهای قبیله‌ای که عشایر از آن برای حل منازعات میان عشایر و در داخل عشیره میان خاندان‌ها استفاده می‌کنند. ساختار جامعه کردستان عراق را مجموعه‌ای از عشایر تشکیل می‌دهد. آن‌ها به‌عنوان شرایط زمینه‌ای بر کنش‌های اجتماعی مردم محدودیت‌هایی ایجاد کرده و مانع کارآمدی نهادهای رسمی مانند دادگاه شده‌اند. از طرف

۱. مصاحبه با قاضی ۱ دادگاه تجدیدنظر اربیل، تاریخ ۵-۱۱-۲۰۱۹.

۲. مصاحبه با قاضی ۴ تجدیدنظر اربیل، تاریخ ۷-۱۱-۲۰۱۹.

۳. مصاحبه با قاضی ۱ دادگاه تجدیدنظر اربیل، تاریخ ۴-۱۱-۲۰۱۹.

دیگر، چون مردم در داخل ساختارهای عشایری زندگی می‌کنند، هنوز تبعیت از هنجارهای عشیره‌ای مانند انتقام‌گیری، قتل‌های ناموسی، و انجام صلح (خون بس) وجود دارد. صلح عشایری ضرورتی است برای حل این منازعات اجتماعی چه در میان عشیره و چه خارج از آن. از این نظر می‌تواند نوعی از فشار هنجاری در جامعه کشف کرد که افراد برای نهایی شدن مسئله اجتماعی‌شان به آن پناه می‌برند. این صلح عشایری قبل و بعد از فرایند دادگاهی کردن محکوم خود، توسط اکثریت مصاحبه‌شدگان مورد تأیید واقع شده است: قضات دادگاه تجدیدنظر (۵ قاضی) (۲۰۱۹-۱۱/۷-۴)، یک وکیل مشاور (۴-۱۱-۲۰۱۹)؛ اعضای دفترهای اجتماعی احزاب KDP (۱۰-۲-۲۰۱۹)، PUK (۱۷-۷-۲۰۱۹)، IUK (۲-۱۱-۲۰۱۹)؛ و نخبگان عشایر هرکی (۱۶-۱۰-۲۰۱۹)، سورچی (۳۱-۱۰-۲۰۱۹)، خوشناو (۱۴-۱۱-۲۰۱۹)، میروالی (۲۶-۱۰-۲۰۱۹).

۲- در کردستان عراق، کنترل نهادهای حکمرانی توسط دو حزب سیاسی (KPD) و (PUK) مورد تأیید مصاحبه‌شوندگان قرار گرفته است. از یک طرف آنها با کنترل سیاسی قضات شرایط عملکرد نهاد قانون را فراهم کرده و استقلال دادگاه‌ها را خدشه‌دار کرده‌اند. از طرف دیگر کنترل نخبگان حکومتی شرایط ناکارآمدی نهادهای حکمرانی را بوجود آورده‌اند، به طوری که این وابستگی به یک صورت‌بندی حزب - حکومت نزدیک شده است. دادگاه تجدیدنظر که از نظر سازمانی جزئی از ساختار قوه قضائیه است، اما دخالت احزاب حاکم در امور دادگاه مورد تأیید قضات دادگاه تجدیدنظر قرار گرفته است. این دخالت توسط حزب حاکم در هر منطقه (منطقه سبز تحت حاکمیت بارزانی‌ها و منطقه زرد تحت حاکمیت طالبانی‌ها)، از طریق: الف - وابستگی سیاسی بعضی از قضات، توزیع ناعادلانه مناصب و در نتیجه دور زدن مکانیسم‌های ارتقای وظیفی برای بعضی از قضات فراهم کرده است. این وابستگی شرایط چشم‌پوشی و تاحدی اعتبار بخشیدن به صلح عشایری بوجود آورده است؛ ب - مرتبط شدن صلح عشایری به فرایند دادگاهی از طریق عفو عمومی و دخالت مسئولان دفترهای حزبی در دادگاه، و وابستگی عشایری بعضی از قضات دادگاه وجود نوعی از روابط عشیره‌گرایی در دادگاه مورد تأیید واقع شده است.

۳- روابط علی شرایط ساختاری (ساختار عشیره‌ای جامعه، ساختار قبیله‌ای حزب، کنترل حزبی نهادهای حکمرانی) با مکانیسم‌های کنترل سیاسی دستگاه قضایی، صلح عشایری، و

ناکارآمدی دستگاه اجرایی موجبات تضعیف حاکمیت قانون را فراهم کرده‌اند. با توجه به داده‌های کیفی مصاحبه‌ها مشخص شد که صلح عشایری در وضعیت‌های نابهنجاری که برای مجرمان و قانون‌گریزان پیش می‌آید، دارای فشار هنجاری است و می‌تواند به‌عنوان نیروی علی عمل کند. اما تأثیرات نیروی علی قواعد عشیره‌ای صلح، درخلاً اتفاق نمی‌افتد، بلکه مجموعه‌ای از شرایط و مکانیسم‌های میانجی چنین تأثیراتی را بر متغیر نهایی که همان حاکمیت قانون در دادگاه‌هاست دارد. در شرایط اجتماعی - سیاسی و نهادی کردستان عراق، چنین مدلی واقعیت و روابط میان این متغیرها را مورد تأیید قرار داده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تبدیل شدن ساختار قبیله‌ای به جزء اساسی ساختار احزاب سیاسی، صورت‌بندی جدید ساختار سیاسی - قبیله‌ای احزاب حاکم در کردستان عراق را بوجود آورده است. این صورت‌بندی جدید، پشتیبانی یا حداقل اغماض احزاب حاکم از تقویت هنجارهای عشایر نمایان‌شده در صلح عشایری در شهر اربیل و مناطقی از سلیمانیه را مهیا کرده است. صلح عشایری مبتنی بر عرف قبیله‌ای حل منازعات است. از طرفی دیگر قانون رسمی هم چگونگی صلح عشایری را از این نظر که خارج از دادگاه انجام‌شده غیر مرتبط به خود می‌داند و هیچ‌گونه اعمال نظری از حیث رعایت حقوق و آزادی‌های افراد در قبال آن انجام نمی‌دهد. عرف قبیله‌ای نه تنها خود را ملزم به قانون رسمی به‌عنوان قواعد ناظر بر خود نمی‌داند، بلکه در حال حاضر کردستان عراق بر دادگاه اعمال فشار هم می‌کنند. انجام صلح عشایری خارج از دادگاه‌ها حاکمیت خارج از قانون بر اثر ضعف عملکرد دستگاه اجرایی و دخالت در امور قضاوت و خاص‌گرایی قبیله‌ای و حزبی در امور دادگاه، اعتماد مردم به دستگاه قضایی را تضعیف کرده، در مقابل قدرت اجرای صلح میان اطراف منازعه را توسط دو گروه افزایش داده است: (۱) سران عشایر که با حزب در ارتباط هستند و (۲) نظامیانی که در نیروهای مسلح پست‌های حساس و با ارزشی دارند. به‌عبارت دقیق‌تر، تقویت نظم عرفی - قبیله‌ای در کردستان به‌صورت جزئی به علت ضعف حکومت در ایجاد نهادهای مستقل و قدرتمند است. حکومت اقلیم کردستان عراق در کنترل احزاب سیاسی حزب دموکرات کردستان (KDP) و اتحاد میهنی کردستان (PUK) محدود شده است. نظم قانونی حکومت کردستان عراق با دخالت احزاب سیاسی حاکم در دادگاه، وجود نیروهای عشایری قدرتمند که می‌توانند صلح عشایری را پیروزمندانه انجام دهند، تضعیف شده است. با توجه به دیدگاه بعضی از مصاحبه‌شونده‌گان، هر فرد، هر دیوان‌خانه و هر حزبی می‌تواند صلح عشایری در کردستان عراق انجام دهد. اما تنها سران دیوان‌خانه‌های عشایری که با خاندان حزب حاکم منطقه رابطه قوی دارند، و با دستگاه قضایی و دستگاه اجرایی رابطه و رفت‌آمد داشته باشد، دارای موقعیت عشیره‌ای قوی هستند می‌توانند حل نزاعات را تأثیرگذارتر از دادگاه‌ها انجام دهند. دفتر اجتماعی حزب دموکرات کردستان جزئی از دفتر رئیس حزب است، که این خود نوعی از قدرت خارج از قانون را به آنها اعطا کرده است. این گفته توسط خود مسئولان دفتر و قضات دادگاه مورد تأیید قرار گرفت. اما

دفتر اجتماعی اتحاد میهنی از چنین مزایایی برخوردار نیست، چون در اتحاد میهنی نوعی چند مرکزی قدرت وجود دارد.

بنابراین ساختار سیاسی قبیله‌ای/ عشیره‌ای کردستان عراق که خود ترکیبی از دو نوع وابستگی حزبی و عشیره‌ای است، با در دست گرفتن منابع ارزشمند (زور، پول، منصب) می‌تواند نخبگان حاکم در نهادهای حکومت اقلیم کردستان را کنترل کند. از طرف دیگر این صورت‌بندی سیاسی - قبیله‌ای ناکارآمدی نهادی، صرفه‌نظر از فعالیت‌های سران عشایر وابسته به خود و استقلال دادگاه‌ها را بوجود آورده است، که این خود مصداق بارزی از حاکمیت خارج از قانون یا مهارنشده^۱ است که نشانه‌ای بر فقدان یکی از ارکان اصلی دموکراسی است.



منابع فارسی

آتویت، ویلیام و تام باتامور (۱۳۹۲): فرهنگ علوم اجتماعی فرن بیستم، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
استراوس، انسلم، جولیت کرین (۱۳۹۰): مبانی پژوهش کیفی، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران، نشر نی.
بیکنس، برایان (۱۳۹۳): فرهنگ نظریه حقوقی. ترجمه: محمد راسخ، تهران، نشر نی، چاپ ۲.
بودون، ریمون و فرانسوا بوریکو (۱۳۸۵): فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی، تهران، فرهنگ معاصر.
پوپر، کارل ریموند (۱۳۹۵): عطش باقی، ترجمه سیامک عاقلی، تهران، انتشارات دوستان، چاپ ۲.
حسن، بارزان (۱۳۹۶): نقش احزاب در توسعه سیاسی اقلیم کردستان □ عراق (بازه زمانی ۱۹۹۱-۲۰۱۷)، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

چلبی، آزاده (۱۳۹۷): فساد و مقبولیت قانون، تهران، نشر نی، چاپ ۲.
چلبی، مسعود (۱۳۸۲، ۱۳۹۴): جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی.
چلبی، مسعود (۱۳۹۳): تحلیل نظری منشأ هنجارهای اجتماعی و نابرابری‌ها؛ در: تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۶): نظم و زوال سیاسی، ترجمه: رحمن قهرمانپور، تهران، انتشارات روزنه.
محمدپور، احمد (۱۳۹۲): روش تحقیق کیفی: ضد روش ۲، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ ۲.
نراقی، آرشد (۲۰۱۵): فلسفه حقوق (متن درس گفتار)، آموزش‌شکده توانا، ایالت متحده آمریکا، در سایت: <http://www.eciviced.org>

ویر، ماکس (۱۳۹۲): دین، قدرت و جامعه، ترجمه: احمد تدین، تهران، نشر هرمس، چاپ ۵.
هارت، هربرت (۱۳۹۳): مفهوم قانون، ترجمه: محمد راسخ، تهران، نشر نی.
هیود، اندرو (۱۳۹۵): مفاهیم کلیدی در علم سیاست، ترجمه: حسن سعیت کلاهی و عباس کاردان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ۳.

منابع عربی

مجلس النواب (۲۰۱۱): دستور جمهوریة العراق، الدائرة الاعلامية، بغداد؛ علی الموقع: www.ar.parliament.iq

جرادات، ادریس محمد (۲۰۱۴): الصلح العشائري و حل النزاعات، جامعه النجاح الوطنيه، نابلس.
الزاويتي، احمد (۲۰۱۸): الصلح العشائري في ديوانية سردار انور بگ البيتواتي (رئيس عشيرة خوشناو في اربيل)،
کانال ماهواره‌ای جزیره (الجزیره)، در تاریخ (۱۶ آوریل ۲۰۱۸) علی الموقع: <http://www.aljazeera.net>
یای.

سلیمان، شیرزاد عزیز (۲۰۰۹): التکلیف القانوني لاعمال المكاتب الاجتماعيه في اقليم کردستان المتعلقه بتسوية المنازعات و مشروعيتها. مجله ترازوو، عدد ۳۸-۳۰، ۲۰۰۹. صص ۳۱۵-۳۵۲.

منابع لاتین

Alinia, Mino (2013): Honor and Violence against Women in Iraqi Kurdistan, Palgrave

Macmillan, USA.

Bicchieri, Cristina (2006): *The Grammar of Society (The Nature and Dynamics of Social Norms)*, Cambridge University Press.

Couch, Christopher M. (2015): *Aghas, Shaiks, and Daesh in Iraq: Kurdish robust action in turmoil*. Naval Postgraduate School (NPS), Montrey, California.

Corstange, Daniel (2008): *Tribes and the Rule of Law in Yemen*, Paper prepared for delivery at the Annual Conference of the Middle East Studies Association, Washington, D.C., November.

Phyllis Dininio, Jennifer Brick Murtazashvili, Lynn Carter and Mary Hope Schwoebel (2010): *Tribalism, Governance and Development*, USAID.

Hechter, Michail & Niki Kabiri (2009): *Attaining social order in Iraq*; in: Kalyvas, Stathis N., Ian Shapiro, and Tarek Masoud: *Order, Conflict and Violence*, Cambridge University Press.

Jabar, Faleh A. (2003): *Shaykhs and Ideologies: Deconstruction and Reconstruction of Tribes under the Patrimonial Totalitarianism in Iraq 1968-1998*; in: Jabar, Faleh A. & Dawood, Hosham (2003): *Tribes and Power: Nationalism and Ethnicity in the Middle east*, London, Saqi, P.p. 69-109.

Kennedy, Brian A. (2015): *The Shaikh's Replibid: The Kurdish Regional Government's Incorporation of Kurdish*. Ursinus College, Politics Honors, Paper3.

Mutazashvili, Jenneifer Brick (2016): *Informal Order and the State in Afghanistan*, Cambridge University Press.

Stolzoff, Sam G. (2009): *The Iraqi Tribal System; A Reference for Social Scientists, Analysts, and Tribal Engagement*, USA, Two Harbors Press.

Tamanaha, Brain Z (2004): *On the Rule of Law*. Cambridge University Press.

Therborn, Goran (2002): *Back to Norms! On the Scope and Dynamic of Norms and Normative Action*, *Current Sociology*, November 2002, Vol. 50(6): 863–880, SAGE Publications. London, Thousand Oaks, CA and New Delhi).

منابع کردی

طاهر، فرمان فارس (۲۰۱۷): *کاریگه‌ری داب و نه‌ریت له‌سه‌ر په‌یره‌وکردنی یاسا (تأثیر عرف و عادت بر پیروی از قانون)*، پایان‌نامه ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات، اربیل: دانشگاه صلاح‌الدین.

پروگرام PUK (۲۰۱۱): پروگرام و پهیره‌وی نافخو، مه‌له‌ندی ٤ ی یکتیتیا نیشیمانی کوردستانی، دهوک، سلیمانی، نه‌کادیم هشیاری و پیگه‌هاندنا کادران.

مصاحبه‌شوندگان

- ۱ - عضو دفتر اجتماعی KDP در مرکز شهر اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹-۲-۱۰.
- ۲ - عضو دفتر اجتماعی PUK در مرکز شهر سلیمانیه، در تاریخ: ۲۰۱۹-۷-۱۷.
- ۳ - آغای عشیره دزه‌بی، در مرکز شهر اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۰-۱۳.
- ۴ - نخبه سیاسی - اجتماعی PUK، در مرکز شهر اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۰-۱۵.
- ۵ - آغای عشیره هرکی، در مرکز شهر اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۰-۱۶.
- ۶ - استاد علوم سیاسی دانشگاه اربیل، مرکز شهر اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۰-۱۹.
- ۷ - شیخ عشیره سادات در قضای پشدر، استان سلیمانیه، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۰-۲۵.
- ۸ - آغای عشیره میروادلی، در قضای پشدر، استان سلیمانیه، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۰-۲۶.
- ۹ - آغای عشیره عفوری در شهرستان چوارقورنه، استان سلیمانیه، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۰-۲۷.
- ۱۰ - آغای عشیره گردی، ناحیه بحرکه، استان اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۰-۲۹.
- ۱۱ - عضو فرهنگستان کرد، مرکز شهر اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۰-۳۰.
- ۱۲ - شیخ عشیره سورچی، ناحیه بجیل، استان دهوک، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۰-۳۱.
- ۱۳ - مسئول دفتر اجتماعی اتحاد اسلامی IUK، مرکز شهر اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۱-۲.
- ۱۴ - وکیل مشاور دادگستری، مرکز شهر اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۱-۴.
- ۱۵ - قاضی ۱، دادگاه تجدیدنظر در کیس‌ها جنایات، مرکز شهر اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹/۱۱/۶-۴.
- ۱۶ - قاضی ۲، دادگاه تجدیدنظر در کیس‌ها جنایات، مرکز شهر اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۱-۶.
- ۱۷ - قاضی ۳، دادگاه تجدیدنظر در کیس‌ها جنایات، مرکز شهر اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۱-۷.
- ۱۸ - قاضی ۴، دادگاه تجدیدنظر در کیس‌ها جنایات، مرکز شهر اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۱-۷.
- ۱۹ - نخبه پارلمان از جنبش تغییر (گوران)، مرکز شهر اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۱-۱۲.
- ۲۰ - آغای عشیره خوشناو، مرکز شهر اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۱-۱۴.
- ۲۱ - عضو عشایر بارزانی، در مرکز شهر اربیل، در تاریخ: ۲۰۱۹-۱۱-۱۴.